

روزنامه

شماره ۴/۷

دوشنبه؛ ۱۲ مرداد ۱۴۰۵؛ ۳ آگوست ۲۰۲۶

تعطیل مشروط حملات از سوی ترامپ / محمدرضا کریمی



سرمایه‌ی بی‌وطن و کارگران زمین‌گیر

تعطیلی کارخانه‌ی کان سلمر در ایستلیک اوهایو را می‌توان نمونه‌ای روشن از شکاف میان ملی‌گرایی اقتصادی در گفتار سیاسی و منطق واقعی سرمایه در عمل، دانست. این کارخانه پس از ۶۱ سال تولید سازه‌های بادی برنجی، در ۳۰ ژوئن بسته شد و حدود ۱۵۰ کارگر شغل خود را از دست دادند. بخشی از فعالیت آن به یک کارخانه‌ی بدون اتحادیه‌ی کارگری در ایندیانا و بخشی دیگر به چین منتقل خواهد شود. ماجرا از آن جهت اهمیت دارد که ایستلیک در منطقه‌ای قرار دارد که بخش بزرگی از رای دهندگانش از وعده‌های دونالد ترامپ برای بازگرداندن مشاغل صنعتی، حمایت از تولید داخلی و مقابله با انتقال کارخانه‌ها به خارج از کشور پشتیبانی کرده‌اند.

ملی‌گرایی اقتصادی، تصویری ساده می‌سازد که طی آن، کشور باید تولید کند، کارخانه‌ها باید در داخل بمانند و سیاست تعرفه‌ای باید شرکت‌ها را به استخدام کارگر آمریکایی وادار نماید. مورد کارخانه‌ی کان سلمر نشان می‌دهد که این تصویر، یک عنصر تعیین‌کننده را نادیده می‌گیرد. تصمیم نهایی درباره‌ی محل تولید، در اختیار رای‌دهنده/کارگر یا جامعه‌ی محلی نبوده و این مالک و مدیران شرکت‌اند که آن را مشخص می‌کنند. منطق مالکیت خصوصی به شرکت اجازه می‌دهد ماشین‌آلات، سفارش‌ها و سرمایه‌ی خود را آزادانه جابه‌جا کند. این مساله، تناقضی بنیادین با ملی‌گرایی مورد ادعای ترامپیست‌ها دارد. بنابراین، وفاداری ملی، تنها شعاری سیاسی برای عضوگیری از کارگرانی‌ست که قادر به شناخت وضعیت خود نبوده و ذیل ساختاری پیش‌رو، سازمان نیافته‌اند یا سازمان‌هایشان به همراهی با ساختار مسلط مشغول شده‌اند.

شرکت مادر کان سلمر به مجموعه‌ای تعلق دارد که جان پالسون، سرمایه‌گذار بزرگ و از حامیان مالی ترامپ، در آن نقش مالکانه داشته است. پالسون در عرصه‌ی عمومی از تعرفه و حمایت از تولید آمریکایی دفاع کرده و در مقابل، شرکتی در شبکه‌ی مالکیتی وی، بخشی از تولید خود را به چین منتقل می‌کند. از این هم‌زمانی نمی‌توان نتیجه گرفت که او شخصا دستور تعطیلی را صادر کرده است؛ اما می‌توان دید که میان موضع سیاسی سرمایه‌دار و تصمیم اقتصادی بنگاه هیچ پیوند الزام‌آوری وجود ندارد. سرمایه‌دار همواره توان این را دارد که در لفاظی‌هایش از ملت دفاع کند و در عمل، سرمایه را به جایی ببرد که هزینه‌ها کمتر، نظارت ضعیف‌تر یا قدرت چانه‌زنی کارگران محدودتر باشد.

انتقال بخشی از تولید به کارخانه‌ای فاقد اتحادیه‌ی کارگری نیز نشان می‌دهد که تصمیم شرکت تنها منطبق بر ملاحظات جغرافیایی نیست. جابه‌جایی تولید می‌تواند وسیله‌ای برای کاهش قدرت جمعی کارگران نیز باشد. کارگری که حتا در سازمان‌های مماشات‌گر هم عضو باشد، تا حدی توان چانه‌زنی بر سر دست‌مزد و شرایط کار را دارد؛ اما کارگر پراکنده در برابر تصمیمات مدیران آسیب‌پذیرتر است. بنابراین، انتقال تولید، تنها حرکت از آمریکا به چین نبوده و حرکت از محیطی که نیروی کار در آن قدرت نسبتاً بیش‌تری دارد به محیطی که کنترل شرکت بر روند تولید گسترده‌تر است، نیز می‌باشد. نمونه‌ی ایستلیک نشان می‌دهد که سرمایه حتا زمانی که از لفظ «ملت» نیز به طور فزاینده‌ای استفاده می‌کند، خود را به آن مقید نمی‌داند.

دونالد ترامپ که در کمپ دیوید از حملات سنگینی علیه ایران سخن گفته بود، در فاصله‌ای کم‌تر از دو روز پس از آن، در واشنگتن اعلام کرد به دلیل شکل‌گیری خطوط کلی یک توافق، حملات تازه را فعلاً متوقف می‌کند. این چرخش نشان می‌دهد تهدید نظامی برای کاخ سفید، هم‌زمان واجد دو چهره‌ی ابزار مذاکره و حق محفوظ بازگشت به جنگ است.

ترامپ طرح تازه‌ای برای حمله به ایران را تایید کرده بود و امکان آغاز عملیات از آخر هفته وجود داشته است. هدف‌های مورد نظر، زیرساخت انرژی، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و مراکز مرتبط با توان موشکی ایران عنوان شده‌اند. گزارش‌های مختلف، میان «تایید طرح»، «صدور فرمان نهایی اجرا» و «آغاز عملیات» در نوسان بوده‌اند. برخی گزارش‌ها از «فرمان حمله» نوشته و برخی تصریح کرده بودند که مجوز نهایی صادر نشده بوده و پیش‌رفت دیپلماتیک می‌توانسته تصمیم را تغییر دهد.

ترامپ روز جمعه در نشست کابینه در کمپ دیوید گفت آمریکا ایران را «بسیار سخت» خواهد زد تا تهران دیگر توان تحمل حملات را نداشته باشد. کاخ سفید نیز مدعی شد ایران تفاهم مربوط به آتش‌بس را نقض کرده، به کشتی‌های تجاری حمله کرده و نیروهای آمریکایی را کشته است. تهران در مقابل، واشنگتن را به تشدید جنگ متهم کرد و هشدار داد حمله به زیرساخت‌های ایران با پاسخ علیه منافع آمریکا و احتمالاً زیرساخت‌های انرژی منطقه روبه‌رو خواهد شد. التهاباتی چون حملات پهبادی به کویت، برخورد پرتابه با نفت‌کشی در نزدیک عمان و افزایش هشدارهای امنیتی آمریکا برای شهروندانش در ده کشور منطقه گزارش شده است.

تحول بعدی، شامگاه شنبه رخ داد. ترامپ در شبکه‌ی اجتماعی خود نوشت متحدان خاورمیانه‌ای آمریکا به خطوط کلی توافقی برای پایان دادن به جنگ رسیده‌اند و او فعلاً دستور حملات تازه را صادر نمی‌کند. او مدعی شد که شرط‌های اعلامی واشنگتن شامل بازگشایی فوری و کامل تنگه‌ی هرمز و پایان دادن به آن چه «تهدید هسته‌ای ایران» نامید، بوده است. ترامپ همچنین گفت اسرائیل با پیوستن به این چارچوب موافقت کرده است. عربستان، که زیرساخت‌های انرژی کشورهای خلیج فارس را در معرض پاسخ ایران می‌دید، از آمریکا خواسته بود دامنه‌ی حملات تازه را محدود کرده و از هدف قرار دادن بخش انرژی پرهیز کند. الگوی آماده‌سازی نیروها برای حمله، معوق‌سازی آن و فعال‌سازی مجددش بدون آن که ساز و کار مشترکی برای تشخیص نقض توافق یا مهار تصمیم یک جانبه وجود داشته باشد، موقعیت میانجی‌ها را نیز محدود می‌کند. درخواست دولت‌های خلیج فارس که نخستین هدف‌های احتمالی پاسخ ایران، پایگاه‌ها، بنادر، نیروگاه‌ها و مسیرهای صادراتیشان است، بیش‌تر مبتنی بر تلاشی برای جلوگیری از انتقال هزینه‌ی تصمیم واشنگتن به زیرساخت و جمعیت خودشان است تا میانجی‌گری در مفهوم رایج‌ش.

در فاصله‌ی دو روز، میان ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر از خاک مراکش وارد سیوتا شدند. سیوتا قلمروی کوچک اسپانیا در شمال آفریقا است که جمعیت آن حدود ۸۴ هزار نفر است. گروهی از مهاجران از حصارهای مرزی گذشتند، عده‌ای خود را از راه دریا به ساحل رساندند و شماری نیز در ازدحام مسیرهای ورودی گرفتار شدند. دولت اسپانیا اعلام کرده که دست کم ۶۷ نفر در جریان این عبور جان باخته‌اند. برخی غرق شدند و برخی دیگر هنگام عبور از حصار یا در فشار جمعیت کشته شده‌اند.

ایجاد ورود مهاجران چنان گسترده بود که زندگی روزمره در سیوتا برای ساعتی از نظم معمول خارج شد. خیابان‌ها، سواحل و اطراف مراکز موقت مهاجران پر از افرادی شد که آب، غذا و محل خواب نداشتند. بعضی ساکنان مغازه‌های خود را بستند و گروهی از حضور ناگهانی هزاران نفر ابراز نگرانی کردند. درگیری‌های پراکنده نیز گزارش شده است. با این وجود، تصویر بحران تنها به برخورد میان مهاجران، پلیس و ساکنان محدود نبوده است. در میان مهاجران کسانی بودند که بعد از ماه‌ها یا سال‌ها حرکت از کشورهای آفریقایی، بدون پول، سرپناه یا امکان بازگشت، خود را در قلمروی اسپانیا یافته بودند. باید در نظر داشت که مفهوم بحران از دید مهاجران بیان شده و با لفظ مورد نظر دولت‌های سرمایه‌داری که به منظور انسان‌زدایی از مهاجران آن را به کار می‌برند، در تضاد است.

مقام‌های اسپانیایی گفته‌اند تا عصر جمعه بیش از ۴۸ هزار نفر به مراکش بازگردانده شدند. این بازگردانی سریع، یکی از مهم‌ترین ابعاد حقوقی بحران است. همه‌ی کسانی که وارد سیوتا شدند، شهروند مراکش نبودند. برخی از سودان و دیگر کشورهای آفریقایی آمده بودند و بازگرداندن آنان به مراکش به معنای بازگشت به کشور مبدأ نبود. چند مهاجر در گفت‌وگو با خبرنگاران گفته‌اند که در مراکش خانه، شغل یا شبکه حمایتی ندارند و تنها امیدشان، رسیدن به خاک اروپا بوده است.

دولت اسپانیا در واکنش به این بحران اعلام کرد که مانعی شناور به طول حدود ۵۰۰ متر در کنار موج‌شکن میان مراکش و سیوتا نصب خواهد کرد. وزارت کشور اسپانیا گفته است که این مانع بیش از آنکه دیواری نفوذناپذیر باشد، نشانه‌ای برای مشخص کردن مرز و بازداشتن افراد از ورود است؛ اما تجربه‌ی مرزهای مهاجرتی نشان می‌دهد که بستن یک مسیر معمولاً به پایان حرکت مهاجران منجر نمی‌شود. انسداد راه‌های ممکن، موجب بروز حرکت در مسیرهای طولانی‌تر و خطرناک‌تر می‌شود. چنین حصار، ممکن است تعداد عبورها از یک نقطه را کاهش دهد؛ اما احتمال غرق



قرار گرفتن مجوز کار در کنار حصار مرزی، تناقض اصلی سیاست مهاجرتی اروپا را آشکار می‌کند. اقتصاد اسپانیا و بسیاری از کشورهای اروپایی به نیروی کار مهاجر نیاز دارند. کشاورزی، ساخت‌وساز، خدمات شهری، گردش‌گری، حمل‌ونقل، مراقبت از سالمندان و کار خانگی، بدون کارگران مهاجر با کمبود نیرو یا افزایش شدید هزینه رویه‌رو می‌شوند. بسیاری از این مشاغل دست‌مزد کم، امنیت محدود و شرایط سخت دارند و کارفرمایان برای پر کردن آنها به افرادی متکی‌اند که قدرت چانه‌زنی کمتری دارند.

در این ساختار، مهاجر به آن شرط که نیروی کاری ارزان و در دسترس باشد، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همان فرد اگر خواهان حق ورود، اقامت پایدار، پیوستن اعضای خانواده یا برخورداری از حمایت قانونی شود، به صورت یک خطر امنیتی بازنمایی می‌شود. چاره‌ای که دولت‌ها اندیشیده‌اند، ناپایداری‌سازی وضعیت است. یعنی قرار دادن فرد در موقعیتی که طی آن حق ماندن در منطقه‌ای که با صرف هزینه‌های زیاد بدان رسیده، به نیاز بازار وابسته است.

مجوز موقت کار، امکان بهبود زندگی هزاران نفر را فراهم می‌سازد؛ اما موقتی بودنش، رابطه‌ای نابرابر ایجاد می‌کند. کارگری که مجوز موقت کار دارد و همواره نگران پایان اعتبار اقامت یا از دست دادن شغلش است، توان چانه‌زنی ناچیزی پیرامون دست‌مزد خود یا ساعات کار یا رفتار کارفرما دارد.

علل بنیادین بحران سیوتا را نیز نباید از نظر دور داشت. فقر، جنگ، بیکاری، نابرابری میان دو سوی مدیترانه که از انتقال ثروت از جنوب به شمال آن ناشی شده، بسته بودن مسیرهای قانونی و نیاز مداوم اروپا به نیروی کار مهاجر، همگی در شکل‌گیری آن نقش دارند. حتا اگر نقش احتمالی مراکش در کاهش کنترل مرزی بر اساس اغراضی سیاسی اثبات شود، باز هم توضیحی برای آن که چرا ده‌ها هزار نفر آماده‌اند در فرصتی کوتاه جان خود را برای عبور از مرز به خطر بیندازند، نخواهد بود.

شدن، گم شدن یا گرفتار شدن مهاجران در دست قاچاقچیان را افزایش می‌دهد.

رابطه‌ی پرتنش اسپانیا و مراکش نیز در مرکز این بحران قرار دارد. برخی مقام‌های اسپانیایی و کارشناسان احتمال داده‌اند که نیروهای مرزی مراکش عمداً از جلوگیری از حرکت مهاجران خودداری کرده‌اند تا بر دولت اسپانیا فشار وارد کنند. گزارش‌هایی نیز پیرامون انتشار پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که مردم را به حرکت به سوی سیوتا دعوت می‌کرده‌اند. روزنامه‌ی «لو پاریزین»، این احتمال را بررسی کرده که مهاجرت به ابزاری برای بی‌ثبات‌سازی اسپانیا یا گرفتن امتیاز از مادرید تبدیل شده باشد.

اختلاف تنها در میان مادرید و رباط باقی نماند. رهبران ۲۲ کشور اروپایی خواهان برگزاری نشست اضطراری درباره‌ی بحران سیوتا شدند. شماری از دولت‌ها اسپانیا را متهم کردند که با سیاست‌های مهاجرتی خود، ورود غیرقانونی به اتحادیه اروپا را آسان کرده است. حتا پیشنهادهایی برای افزایش کنترل بر مرزهای اسپانیا یا محدود کردن جایگاه آن در منطقه‌ی شنگن مطرح شد. در پاسخ، پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا، این برخورد را خودخواهانه توصیف کرد و گفت کشورهای اروپایی نمی‌توانند خواستار آزادی رفت و آمد درون اتحادیه بوده و در مقابل، مسئولیت مرزهای بیرونی را تنها بر دوش دولت‌های مرزی بگذارند.

در نگاه نخست، اختلاف دولت‌ها بر سر تعداد نیروهای مرزی، حصار، شنگن و شیوه‌ی بازگردانی مهاجران است. در پس این مناقشه، تضادی ژرف‌تر وجود دارد. اسپانیا اندکی پیش از بحران سیوتا، برای حدود ۶۰۹ هزار و ۷۰۰ مهاجر که پیش از اول مارس ۲۰۲۵ وارد اسپانیا شده بودند، مجوز کار موقت صادر کرده بود. دولت این برنامه را راهی برای خارج کردن مهاجران از اقتصاد پنهان، دریافت مالیات و پاسخ به نیاز بازار کار معرفی کرده بود. مخالفان گفتند چنین تصمیمی افراد بیش‌تری را به مهاجرت تشویق خواهد کرد.

سردبیر: محمدرضا کریمی

راه‌های ارتباط با روزنامه:

سایت: <https://www.ruzname.org>

تلگرام: https://t.me/RUZNAME_4

اینستاگرام: https://www.instagram.com/ruzname_4

ایمیل: RUZNAME2@gmail.com

روزنامه

دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵؛ ۳ آگوست ۲۰۲۶؛ شماره ۴/۷